



سوره مبارکه انفطار

- سوره مبارکه «انفطار» در ردیف سوره‌های قیامتی است. این سوره از منظری منحصر به فرد و جالب به بحث قیامت نگاه می‌کند. شروع این سوره با «اذا» هایی که آورده، بسیار شبیه سوره مبارکه تکویر است. اذا به معنای «وقتی که این اتفاق می‌افتد».

- (۱): «إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ» (۲): «وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (۳): «وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (۴): «وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ»: اتفاقات اشاره شده در این سوره عبارتند از:

- ✓ ماجرای شکافته شدن آسمان
- ✓ پراکنده شدن ستاره‌ها
- ✓ فوران و به هم پیوستن دریاها
- ✓ زیرورو شدن قبرها.

- آیه (۵): «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ». جواب اذاها هم علم انسان نسبت به آنچه از پیش فرستاده و آنچه از پس فرستاده است.

- نکته جالب: مدل‌های مختلف در این سوره جمع شده است. در ادامه سوره آیه‌ای مهم از نوع خطاب ذکر شده است. طبق آیه (۶) خطاب این است که: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» یعنی «ای انسان! چیست که تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته؟»

- سپس در آیات ۷ و ۸ «رَبِّ كَرِيمٍ» را توصیف کرده است: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»، «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» ربِّ کریم کسی است که «خلق» می‌کند و سپس «تصفیه» و «عدل» می‌کند. خلق یعنی پدید آوردن و تصفیه یعنی هماهنگ ساختن و عدل یعنی سر جایش قرار دادن. این آیات فرآیندی را توضیح داده که در نمونه‌های زیستی به کرات مشاهده می‌شود. یعنی یک خلق صورت می‌گیرد، این خلق هماهنگ می‌شود و سپس سر جایش قرار می‌گیرد. نمونه بارز فرآیندی است که جنین در رحم مادر طی می‌کند؛ یک شکل‌گیری به معنای خلق شدن و بعد از خلق شدن یک ارتباط و هماهنگی به وجود می‌آید؛ مانند اینکه یک سلول شروع به تکثیر کرده و یک مجموعه سلولی درست می‌کند، بعد از مدتی هماهنگی به وجود می‌آید و هر کدام به سمت تخصصی خودشان می‌روند و هر کدام سر جای خودشان قرار می‌گیرند. سپس صورت پیدا می‌کند یعنی از یک خلق بسیط که یک مجموعه سلول ساده است به یک انسان تبدیل می‌شود که دست، پا، چشم، مو و ... دارد. این فرآیند از خلق تا کامل شدن یک پدیده است.

- نکته: جنین را به عنوان یک نمونه قابل مشاهده مثال زدیم، این قانون برای همه سنین رشد در خلقت است. انسان بعد از به دنیا آمدن دارای ساختار وجودی است که شامل حس، خیال، وهم و ... است که این‌ها بسیار بسیط و ساده هستند. در واقع یک بچه اصلاً پیچیدگی ندارد. به مرور اجزاء وجودی بچه با هم هماهنگ می‌شود.

اما در مورد سیر معنوی رشد باید بگوییم بچه، خیال، وهم، علم و ... پیدا می‌کند تا اینکه به زمانِ عدل می‌رسد؛ یعنی زمانی که به تعادل می‌رسد. منتها این سه مرحله «خلق و تصفیه و عدل» با سه مرحله «سیادت و عبودیت و وزارت» جور در می‌آید. زیرا در این سه دوره این‌گونه است که:

- ✓ در دوره اول فقط توانمندی‌های ک.دک باید رشد کند؛ مانند سلول که جنین در فرآیند خودش در یک بازه کوتاه مکرر رشد انجام می‌دهد و کودک هم در دوره اول رشدش مکرر باید خیال و وهمش فعال شود.
- ✓ در دوره دوم رشد که سلول‌ها زیاد شدند و حال باید جایشان مشخص گردد، کودک هم که حالا خیال و وهمش فعال شده است، در دوره عبودیت باید جای خیال، وهم و عقلش معلوم شود.
- ✓ در دوره سوم رشد که دوره شکوفایی عقل که همان دوره وزارت است؛ آن‌قدر استفاده از عقل را تمرین می‌کند تا تمام وجودش با عقل ساماندهی شود. لذا این سه دوره در جریان معنوی انسان هم کاملاً قابل مشاهده است. نکته مهم اینکه همان‌طور که در طی فرآیند رشد،

جنین صورت پیدا می‌کند و اگر جنین مراحل سه‌گانه‌اش را درست طی نکند، بچه با صورت انسان متولد نمی‌شود، همین اتفاق برای رشد معنوی انسان نیز می‌افتد. اگر کسی در سیر رشد معنوی‌اش دوران خلق و تصفیه و عدلش درست طی نشود، به صورت انسان معنوی در نمی‌آید. انگار جنین سقط شده و به صورت انسان در نیامده است. طی مراحل معنوی در انسان زمان مشخص ندارد؛ زیرا به اقتضای موقعیت، شخصیت، جنسیت و اجتماع برای افراد مختلف متفاوت است.

- سؤال: چرا در روایت سه مرحله هفت سال آمده است؟

- پاسخ: سه مرحله بودن آن مربوط به همهٔ زمان‌هاست، ولی هفت سال بودن هر مرحله؛ اقتضای زمان بین خود روایت است. مرحله اول؛ شکوفایی حس و خیال، مرحله دوم، حد خوردن حس و خیال با عقل است که نتیجه آن بلوغ می‌شود و مرحله سوم تمرین عقل است؛ مانند رانندگی که این اتفاق بسیار واضح می‌افتد. در دورهٔ دوم رانندگی باید به فرد بگوییم کلاج، ترمز، گاز و ... کجاست. از زمانی که گواهینامه می‌گیرد، پایان دوره دوم رانندگی است. یعنی او عقلش برای رانندگی کامل شده و می‌داند هر چیزی کجاست. حال باید یک دوره وزارت را طی کند و آن قدر این عقل را تمرین کند تا ملکه‌اش شود. این فرآیند وزارت در رانندگی است؛ مانند این فرآیند در رشد هم اتفاق می‌افتد؛ از وقتی عقل کامل شد، به فرد تصدیق می‌دهند و به او می‌گویند شما بالغ شده‌ای و می‌توانی احکام شرعی را انجام دهی، ولی تا این مسئله در او نصب شود مدتی طول می‌کشد، زیرا ما در انجام اعمال واجب مانند نماز و روزه هم این‌گونه‌ایم که جای نماز و روزه را نمی‌دانیم و هنوز برایمان ملکه نشده است.

- ملکه در نماز حالتی است که قرآن می‌فرماید: «آن حالتی است که دیگر برایشان کبیر نیست.» دوران وزارت که کامل طی شود، دیگر نماز برای فرد، سنگین و سخت نیست؛ مانند رانندگی که برای فرد ابتدا سخت است، زیرا جای اجزاء را نمی‌داند ولی بعد از مدتی دیگر برایش سخت نیست در اعمال عبادی هم وقتی جای اجزاء را پیدا کند، دیگر نماز و دیگر اعمال عبادی برایش سخت نیست.

نکته: «عدد» در روایات ناظر به موقعیت روایت است. اینکه مراجع عظام تقلید تشخیص داده‌اند عدد ۹ سال برای بلوغ دختران که در آن زمان بوده است، اکنون نیز جاری است، باید از آن‌ها پرسید و حتماً برای آن دلیل دارند. قانون کلی این است که عدد حجت ندارد زیرا ناظر به موقعیت است و اگر در جایی مرجعی عددی را آورده است حتماً برای آن دلیلی دارد که می‌توان از او پرسید و ما در جایگاهی نیستیم که بخواهیم پاسخ گوئیم و فقط می‌توانیم بگوییم حجت نیست ولی نمی‌توانیم بگوییم کدام عدد برای الآن حجت است و آن را مرجع تقلید تشخیص می‌دهد. حرف این است که برای تعیین عدد احتیاج به قواعد زیادی است و یک عدد را برای همه زمان‌ها نمی‌توان تسری داد. چون دختر و پسر در زمان پیامبر با دختر و پسر در زمان امروز کاملاً شرایطشان متفاوت است. عدد قابل استفاده است به شرط آنکه شرایط را لحاظ کنیم.

- از آیه (۹) به بعد؛ تأکید بر روی «دین و یوم‌الدین» است. دفعات تکرار این واژه در سوره مبارکه انفطار کاملاً در قرآن منحصر به فرد است. آیه (۹): «كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ» آیه (۱۰): «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» آیه (۱۱): «كِرَامًا كَاتِبِينَ» آیه (۱۲): «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» آیه (۱۳): «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» آیه (۱۴): «وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» آیه (۱۵): «يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ» آیه (۱۶): «وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» یوم‌الدینی وجود دارد که غایب نیست.

- آیه (۱۷): «وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» آیه (۱۸): «ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» نمی‌دانند یوم‌الدین چیست.

- آیه (۱۹) اشاره دارد به روزی که هیچ نفسی در آن چیزی را مالک نیست و امر کاملاً دست خداوند قرار می‌گیرد: «يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»

- سؤال: تکرارهایی که در بعضی از سوره‌ها برای بعضی از آیات آمده به چه علت است؟

- پاسخ: اصل بر این است که در قرآن تکرار نداریم. هر تکراری ناظر به یک معنا و یک دقت نظر است که البته کشف کردن آن نیاز به مطالعه سیاق آیات دارد. مثلاً در سوره مبارکه تکوین آمده است: «كَلَّا سَوَفَ تَعْلَمُونَ (۳) ثُمَّ كَلَّا سَوَفَ تَعْلَمُونَ (۴)»، علتش این است که علم

برای آن آدم در دو مرتبه حاصل می‌شود. یکبار در لحظه مرگ و یکبار هم در لحظه‌ای که می‌خواهد از برزخ وارد قیامت شود؛ و چون دو مرتبه این علم برایش حاصل می‌شود پس دو مرتبه هم آورده است. لذا این موارد باید با سیاق آیات تحلیل شود که چرا این‌گونه آمده است. - نکته مهم: توجه به اتفاقاتی که برای یک فرزند در دوران جنینی می‌افتد به نسبت آن موقع که وارد دنیا می‌شود، تذکرات زیادی برای ما ایجاد می‌کند؛ لذا قطعاً یک روز هم از این رحمی که الآن در آن هستیم خارج شده و متولد خواهیم شد و وارد آخرت می‌شویم. - سؤال: موت یعنی چه؟

- پاسخ: یعنی انتقال از جایی به جای دیگر. مثلاً بچه وقتی به دنیا می‌آید در رحم به موت می‌رسد و در این دنیا متولد می‌شود. یکی از نکات مهم این سوره این است که ماجرای قیامت از نوع «تولد» است. همه دغدغه این سوره این است که تصویری از قیامت درست کند تا ما آن را تولد ببینیم؛ و این اثر زیادی در نگاه به قیامت در ما می‌گذارد.

- یکبار دیگر آیات را می‌خوانیم با این نگاه که بتوانیم عالم دنیا و دوران جنینی انسان در دنیا را در آیات ببینیم:

- آیات ۱ تا ۴: این دو عالم یعنی عالمی که بچه در دوران جنینی‌اش دارد، با عالم دنیا بسیار متفاوت است. عالمی که الآن در آن زندگی می‌کنید با عالم آخرت که بعداً در آن متولد می‌شوید، زمین تا آسمان متفاوت است. آسمان و ستاره این عالم با آسمان و ستاره آن عالم متفاوت است. چیزی در عالم جنینی ستاره است که در عالم ماده اصلاً ستاره به حساب نمی‌آید. چیزی در عالم جنینی آسمان است که در عالم دنیا اصلاً آسمان به حساب نمی‌آید. این دو عالم بسیار با هم متفاوت هستند.

- آیه ۵: وقتی جنین به دنیا می‌آید، از روی جنین بسیاری از اتفاقات گذشته هویدا می‌شود. اینکه مادر و پدر استرس داشته یا نداشته‌اند و چه چیزهایی خورده‌اند و ... همه در دوران جنینی بروز پیدا می‌کند. یعنی تازه وقتی انسان متولد می‌شود انواع مشکلاتی که داشته، رو می‌آید. البته این مشکلات تازه به وجود نمی‌آید بلکه وجود داشته ولی تازه خودش را نشان می‌دهد. دقیقاً مانند حالتی که ما در دنیا و قیامت داریم. در قیامت این نیست که مشکلات تازه پیدا می‌شوند، بلکه این مشکلات در این دنیا بوده‌اند فقط در آنجا آشکار می‌شوند و عمل‌های افراد نمایان می‌شود.

- آیه ۶: پس ای انسان‌ها نکند گول کرامت خداوند را بخورید. چون در رحمی که اکنون در آن زندگی می‌کنید، خداوند به واسطه کرامتش اجازه نمی‌دهد اثر سوء اشتباهاتی که انجام می‌دهید، بلافاصله به شما برسد. با این حال فکر نکنید اگر الآن مجازات نمی‌شوید، اشتباهاتتان را فراموش کنید.

- امام سجاد (علیه‌السلام) عبارتی در صحیفه سجادیه دارند که بسیار بی‌نظیر است و در آن عبارت آمده: «اولین ذنبی که از انسان صادر می‌شود، کافی است که عذاب نازل شود» زیرا معنی ندارد بنده در برابر خدایی که به او همه چیز داده است، مرتکب اثم و گناه شود و اثر این اشتباه فوراً بر خطاکار نازل شود، زیرا شاید او برگردد.

- نکند گول کرامت خدا را بخوریم و فکر کنیم می‌شود این اشتباهات را انجام داد و اثری هم نمی‌گذارد؛ مانند اینکه مادری در دوران بارداری سیگار بکشد و مشروبات الکلی بخورد و بعد هم بچه‌اش سالم به دنیا بیاید و بگوید: اثری روی بچه‌ام نداشت». این اثر نداشتن به خاطر دلیلی است که این اثر را می‌پوشاند شاید این آدم برگردد و درست کند. گول نخوریم بگوییم هیچ اتفاقی نیفتاد کسی در این عالم گول کرامت خدا را نخورد، اگر خدا آثار خیلی از اشتباهات ما را بلافاصله نشان نمی‌دهد برای این است که شاید فرصتی شود و این انسان در دوران جنینی دنیا خودش را اصلاح کند و این به آن معنا نیست که چیزی روی چیزی اثر ندارد.

- آیات ۷ و ۸: این قانون عالم است که هر چیزی «خلق» می‌شود و وقتی خلق شد، «تصفیه» می‌شود و وقتی تصفیه شد به مرحله «تعادل» می‌رسد. بچه اگر فرآیند جنینی‌اش را درست طی نکند، با یک صورتی متولد می‌شود که حتی حاضر نیستیم به او نگاه کنیم و حتی نمی‌توانیم اسم

انسان روی آن بگذاریم. ما هم از این رحم دنیا با صورت‌های مختلفی متولد و محشور می‌شویم، لذا باید یک صورتی داشته باشیم که بشود به ما نگاه کرد و به ما گفت: «آدم».

- آیه ۹: آدم‌ها یا یادشان رفته و یا خودشان را به فراموشی می‌زنند و باور ندارند یک روزی می‌آید و اثر عینی اعمالشان و باورهایشان را می‌بینند.

- آیه ۱۰: نظامی در این عالم هست که ریز به ریز، عمل و فعل و اراده و نیت ما و حتی اراده درونی‌مان را نیز ثبت می‌کند. دقیقاً مانند ماجرای جنین. قرآن می‌گوید: تا وقتی جنین در رحم است، چون در دسترس پدر و مادر نیست و نمی‌داند او چه وضعیتی دارد، دائماً از خدا می‌خواهند فرزندشان سالم باشد. وقتی او متولد می‌شود یادشان می‌رود و فکر می‌کنند از این به بعد دست خودشان است و برای خدا شریک می‌گیرند و فکر نمی‌کنند که از این به بعد هم دست آن‌ها نیست. این مسئله در جنین کاملاً مشخص است: از آنجایی که جنین در حال شکل گرفتن است، غذای بد خوردن و یا یک کار اشتباه کردن بلافاصله روی آن اثر می‌گذارد. به همان قاعده کارهایی که همین الان ما داریم انجام می‌دهیم روی ما اثر می‌گذارد. حکما عبارتی بسیار دقیق دارند که می‌گویند: «انسان بعد از هر عمل، دیگر آن انسان قبل از عمل نیست چون عمل در وجود فرد اثر می‌گذارد و او را حرکت می‌دهد و یک موجود دیگر می‌کند». لذا انسان بعد از گناه، دیگر همان انسان قبل از گناه نیست کما اینکه انسان بعد از کار خوب نیز دیگر همان انسان قبل از کار خوب نیست. افراد در حال سیر هستند. یعنی لحظه‌به‌لحظه شکل عوض می‌کنند.

- در این عالم نظامی هست که همه‌چیزمان را حتی اراده‌هایمان را ثبت می‌کند. در سوره مبارکه قلم، اصحاب باغ اراده کردند باغ و میوه‌هایش را به یتیمان ندهند، باغشان سوخت. اینکه در روایات گفته‌اند: خدا تبت گناه را ثبت نمی‌کند و فقط عمل فرد را ثبت می‌کند، نباید گول کرامت خدا را بخوریم. خدا گفته است، آن را نمی‌نویسم، ولی به آن معنا نیست که اثر هم ندارد و هر نیتی دلمان خواست بکنیم. حواسمان باشد خدا با کرامتش این سخن را گفته است تا شاید ما خودمان را درست کنیم.

- آیه ۱۱: ثبت‌کننده‌های خدا هم کریم هستند. دستگاه خدا بسیار بی‌نظیر است. فرض کنید دستگاهی وجود دارد و خدا اجازه داده است اگر یک پدر و مادر در ۹ ماه حمل بچه، هشت ماه و نیم آن را غفلت کردند و هیچ کاری نکردند، با توبه این جنین در رحم دنیا به حالت عادی برگردد. این مسئله در جنین انسان امکان ندارد، ولی خدا این کار را برای انسان که حکم جنین را در رحم دنیا دارد انجام داده و این باز هم از کرامت خداست.

دعا:

* انشاءالله هدایت ما تضمین شود

* انشاءالله از حضرت امیر دعوت کنیم تا در جلسه ما حضور یابند.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

** توجه: بیشترین کسی که از شنیدن اسم پیامبر خوشحال می‌شوند به تحقیق، حضرت امیر (علیه‌السلام) است و اگر کسی با اخلاص صلوات بفرستد، اولین کسی که در آن جلسه حضور پیدا می‌کند، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين